

داستان متیوسون از سخنرانی دوم کتاب مقدس - اسرائیل

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © 2024

در این سخنرانی، دیو از دعوت و انتخاب ابراهیم به عهد موسی و سپس به عهد داوود خواهد پرداخت و بر داستان اسرائیل، به ویژه روایات پنجگانه، تمرکز خواهد کرد. او مضامین سرزمین، عهد، معبد، قوم خدا و پادشاهی را از طریق این روایات دنبال خواهد کرد. و حالا، دیو متیوسون

در سخنرانی قبلی، به زمینه داستان، چیزی که من آن را خط داستانی کتاب مقدس می‌نامم، یعنی زمینه در پیدایش ۱ تا ۳، پرداختیم که هم زمینه و هم پیچیدگی را معرفی می‌کند، جایی که خدا بشریت را می‌آفریند و آدم و حوا را به عنوان قوم خود خلق می‌کند. او وارد یک رابطه پیمانی می‌شود و زمین را به عنوان هدیه‌ای، بخشنده، مکانی برای برکت، به آنها می‌دهد. آنها به عنوان حاملان تصویر خدا، باید به عنوان نمایان خدا بخشند، نمایانگر پادشاهی خدا باشند.

آنها نمایانگر حاکمیت و فرمانروایی خداوند بر تمام خلقت هستند. آنها قرار است حکومت و جلال خدا را در تمام خلقت گسترش دهند و خدا در میان آنها ساکن خواهد شد. با این حال، گناه وارد صحنه می‌شود.

آدم و حوا رابطه‌ی عهدی با خدا را نقض می‌کنند. آنها از باغ عدن، مکان برکت، تبعید می‌شوند، به طوری که در پایان فصل ۳ کتاب پیدایش، که می‌توان آن را به عنوان گسست اصلی در داستان در نظر گرفت، پس از آن است که هنوز این سوال مطرح می‌شود که اگر خدا قرار نیست کل پروژه را کنار بگذارد، چگونه قرار است قصد اولیه خود را برای خلقت بازگرداند؟ و ما به سرعت به جلو حرکت می‌کنیم و به رویداد مهم بعدی در داستان نگاه می‌کنیم، انتخاب و فراخوان ابراهیم توسط خدا، جایی که خدا ابراهیم را انتخاب کرد تا با او وارد یک رابطه‌ی عهدی شود تا از ابراهیم نسلی، یک ملت، پدید آید که خدا به آنها زمین را به عنوان مکانی برای برکت بدهد، خدا با آنها وارد یک رابطه‌ی عهدی می‌شود. سپس آنها قرار بود حکومت خدا را بر تمام خلقت گسترش دهند و فرمان خدا را برای بارور و تکثیر شدن انجام دهند و زمین را با جلال خدا پر کنند.

آنها قرار بود آن فرمان را به انجام برسانند تا ملت اسرائیل وسیله‌ای از جانب خدا برای تحقق آن هدف و ادامه آن داستان باشد. سپس دیدیم که با انتخاب بیشتر موسی و عهدی که خدا با موسی بست، به طور خاص عهد موسی وسیله‌ای است که ملت اسرائیل از طریق آن، قصد خدا را که در عهد خدا با ابراهیم و

، قصد خدا برای تمام خلقت برای بشریت از پیدایش ۱ و ۲ بیان شده است، محقق خواهد کرد. بنابراین کتاب خروج با انتخاب موسی توسط خدا آغاز می‌شود، اما همچنین با اسرائیل، به ویژه در فصل ۱، آغاز می‌شود. و باز هم، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که به سادگی در داستان اسرائیل حرکت کنم، از پیدایش نسبتاً سریع شروع کنم و عمدتاً بر روایت پنجگانه تا خروج و تثبیه تمرکز کنم، اما گاهی اوقات چند متن دیگر را نیز برای تکمیل داستان اضافه می‌کنم. اما کتاب خروج با داستان بنی‌اسرائیل آغاز می‌شود، و باز هم، من صرفاً می‌خواهم برجسته کنم که چگونه مضامین و رشته‌های غالب داستان، مانند عهد، قوم خدا سکونت معبد خدا در عدن، تصاویر عدن، سکونت خدا در میان قومش، پربار بودن، تکثیر شدن، ایفای نقش به عنوان نایب خدا برای نمایندگی حکومت او و گسترش حکومتش در سراسر خلقت، و اینکه چگونه این مضامین شروع به ظهور می‌کنند و در داستان بعدی که با اسرائیل آغاز می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرند. و به سرانجام می‌رسند.

بنابراین، خروج، فصل ۱ و آیه ۱۲، اینگونه آغاز می‌شود. من به آیه ۱۱ برمی‌گردم. بنابراین، اسرائیل اکنون در مصر است، جایی که روایت پیدایش به پایان می‌رسد.

سفر خروج با حضور اسرائیل در مصر آغاز می‌شود و در آیه ۱۱ می‌گوید: «بنابراین، آنها سرکارگرانی بر بنی‌اسرائیل گماشتند تا آنها را با کار اجباری سرکوب کنند. آنها شهرهای آذوقه، فیتون و رامسس، را برای فرعون ساختند. اما هر چه بیشتر، بنی‌اسرائیل بیشتر سرکوب می‌شدند، بیشتر تکثیر و پراکنده می‌شدند، به طوری که مصریان از بنی‌اسرائیل می‌ترسیدند.»

توجه کنید که این آیه در آیه ۱۲، این بخش در آیه ۱۲، این اشاره به تکثیر و گسترش اسرائیل، نشان دهنده قصد خدا برای آدم و حوا در پیدایش ۱ و ۲ است، مبنی بر اینکه آنها بارور و تکثیر شوند و زمین را تکمیل کنند. اکنون اسرائیل، به عنوان قوم برگزیده جدید خدا، به عنوان وسیله‌ای که خدا از طریق آن قصد خود را برای خلقت که با آدم و حوا محقق نشده بود، احیا خواهد کرد، اکنون اسرائیل، به عنوان قوم خدا، نقش بارور و تکثیر شونده را انجام می‌دهد. بنابراین، آنها به عنوان خدا افزایش می‌یابند و گسترش می‌یابند، این قصد خدا در پیدایش ۱ و ۲ بود، و همانطور که قصد خدا برای ابراهیم در پیدایش ۱۲ و بخش‌های بعدی داستان ابراهیم بود، جایی که اجداد ابراهیم بیشتر بودند، فرزندان او نیز بیشتر از ستارگان آسمان خواهند بود.

اما وضعیت آنها در مصر، تهدیدی برای نیت خدا برای آنها، برای قومش محسوب می‌شود، که به پیدایش ۱ و ۲ برمی‌گردد، به طوری که خدا باید آنها را از مصر رهایی بخشد، و رهایی قومش از مصر توسط خدا الگویی برای چگونگی اقدام بعدی خدا برای نجات قومش در رساندن آنها به انجام نیتشان از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش می‌شود. حال، این ما را به خروج فصل ۳ می‌رساند. دوباره، اینجاست که موسی وارد عمل می‌شود ۲، موسی کسی خواهد بود که بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون خواهد برد تا نیت خدا را برای آوردن آنها به سرزمین مکان برکت، محقق کند، تا بتوانند نیت خود را از بدو خلقت محقق کنند. بنابراین در خروج فصل‌های ۳ و ۸، اینجاست که خدا برای اولین بار بر موسی ظاهر می‌شود ۶.

و چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید این است که چگونه نیت خدا برای نجات اسرائیل با وعده‌هایی که به ابراهیم داده شده گره خورده است، که همه به سرزمین مربوط می‌شود، و باز هم، به یک معنا چند لایه است، زیرا به خلقت در پیدایش ۱ و ۲ برمی‌گردد. به طوری که طبق خروج فصل ۳، خدا به ابراهیم می‌گوید من خدای پدرت، خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم. بنابراین خداوند به وضوح قصد خود را با موسی و اسرائیل برای وفای به وعده‌اش به ابراهیم اعلام می‌کند، که باز هم وسیله‌ای بود که خداوند از طریق آن قوم خود را به نیت اصلی‌شان بازمی‌گرداند، که همان وسیله‌ای است که خداوند نیت خود را برای کل خلقت و قوم خود از باب‌های ۱ و ۲ پیدایش احیا می‌کند. بنابراین، دوباره، قرار است اسرائیل از مصر نجات یابد، و دلیل نجات دوباره آنها از مصر، به وفای خداوند به عهده‌ای که با ابراهیم بسته بود، مربوط می‌شود، به طوری که خداوند آنها را از مصر بیرون می‌آورد تا آنها را در سرزمینی که، باز هم خداوند به ابراهیم وعده داده بود، ساکن کند، اما این وعده به ابراهیم برای آوردن ابراهیم به سرزمین، خود به معنای تحقق نیت خداوند برای دادن سرزمین به عنوان مکانی برای برکت، به عنوان هدیه‌ای بخشنده به قوم خود در باب‌های ۱ و ۲ پیدایش بود. بنابراین، به عنوان مثال، توجه کنید که چگونه در سراسر اسفار پنجگانه، به ویژه در وعده‌ها، حتی وعده‌هایی که به ابراهیم داده شده است، اما وعده‌هایی که به موسی داده شده است، چگونه سرزمین به عنوان مکانی جاری توصیف شده است، به عنوان مثال، جاری با شیر و عسل. بنابراین، آیه ۸ از فصل ۳ سفر خروج می‌گوید: «من رنج آنها را می‌دانم و آمده‌ام تا آنها، بنی‌اسرائیل، را از سرزمین مصر رهایی بخشم و آنها را از آن سرزمین به سرزمینی نیکو و وسیع برآورم، سرزمینی که به شیر و عسل جاری است و به سرزمین کنعانیان می‌رسد».

بنابراین، این سرزمین دوباره به وضوح با ثمربخشی که با خلقت اولیه از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش وجود داشت، مرتبط است. اکنون خداوند قصد خود را از طریق موسی و از طریق اسرائیل و بیرون آوردن آنها از مصر برای آوردن آنها به سرزمین اعلام می‌کند تا قصد اولیه خود را برای خلقت احیا کند. به عنوان مثال

دوباره، در تثنیه فصل ۲۸، به آخرین کتاب از اسفار پنجگانه، تثنیه فصل ۲۸، و با شروع از آیه ۱۱ می‌رسیم. و دوباره، می‌خواهم به تمام ارتباطات با عدن، مفهوم ثمربخشی، و این ایده از گیاهانی که جوانه می‌زنند و ثمربخشی خلقت، توجه کنید، زمین مکانی برای برکت است.

همه اینها برای این است که به سفر پیدایش ۱ و ۲ و خلقت اولیه به عنوان مکانی پربرکت و هدیه‌ای دلپذیر از سرزمین به مردم با تمام ثمراتش برگردیم. بنابراین، ۲۸، با شروع از آیه ۱۱، این وعده خدا به بنی اسرائیل است، همانطور که آنها در شرف ورود به سرزمین هستند، خداوند شما را در میوه رحم، در میوه دام‌هایتان، در میوه زمینتان، در سرزمینی که خداوند برای اجدادتان، ابراهیم، قسم خورد که به شما بدهد، به وفور نعمت خواهد رساند. خداوند انبار غنی خود، آسمان‌ها، را برای شما خواهد گشود تا سلطنت سرزمین شما را در فصل خود به شما عطا کند و تمام کارهای شما را مبارک سازد.

به بسیاری از ملت‌ها قرض خواهی داد، اما قرض نخواهی گرفت. خداوند تو را سر قرار خواهد داد، نه دم اگر از فرامین خداوند، خدای خود، که امروز به تو فرمان می‌دهم، با دقت پیروی کنی، فقط در صدر خواهی بود، نه در قعر.

و اگر از هیچ یک از سخنانی که امروز به تو فرمان می‌دهم، چه به راست و چه به چپ، روی نگردانی و خدایان دیگر را پیروی نکنی و آنها را خدمت نکنی. بنابراین، به دو نکته توجه کن. اول، ارتباط این وعده به اسرائیل مبنی بر برکت در زمین، و ارتباط آن با ابراهیم، که این بخشی از نیت خدا برای احیا و تحقق آنچه به ابراهیم وعده داده بود، می‌باشد.

اما همچنین با توجه به پیوندهایی که در خلقت به پیدایش ۱ و ۲ برمی‌گردد، تمام این سخنان در مورد باروری و برکت در زمین در نهایت به منظور انعکاس نیت اولیه خدا برای خلقت او از پیدایش ۱ و ۲ است. مبنی بر اینکه زمین مکانی برای باروری و برکت برای آدم و حوا و برای قوم خدا است، اگر آنها اطاعت کنند و اکنون همان شرایط در اینجا نیز وجود دارد. اگر آنها از رابطه عهد خدا با آنها و مفاد عهد اطاعت کنند و مراقب باشند که هر آنچه را که خدا به آنها دستور می‌دهد رعایت کنند، آنگاه آنها نیز مانند آدم و حوا از برکت در زمین بهره‌مند خواهند شد.

اما این ما را به موضوع بعدی می‌رساند. نکته دیگری که می‌خواهم دوباره به آن بپردازم، رابطه عهدی خداست که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، عهدی که خدا با اسرائیل می‌بندد، عهد موسی. کتاب‌های خروج تا تثنیه عموماً مبنای قانونی و آیینی عهد خدا با قومش را ارائه می‌دهند.

بنابراین، خدا در سفر خروج از طریق تثنیه، اسرائیل را به عنوان قوم خود انتخاب می‌کند. و دوباره، درست مانند آدم و حوا در باغ، که در یک رابطه پیمانی با خدا بودند، توانایی آنها برای ماندن در باغ و لذت بردن از ثمرات و نعمت‌های آن منوط به اطاعت بود. اگر آنها از اطاعت، یعنی از خوردن از درخت معرفت خیر و شر که خدا آنها را از خوردن آن منع کرده است، امتناع ورزند، اگر از این امر تخلف کنند، از سرزمین، مکان برکت خدا، مکان حضور خدا، رانده می‌شوند.

و در واقع، دقیقاً همین اتفاق افتاد. همین امر در مورد رابطه‌ی عهدی که خدا با ملت اسرائیل برقرار می‌کند. نیز صادق است. او آنها را به عنوان قوم خود انتخاب می‌کند.

او آنها را به سرزمین موعود می‌آورد تا وعده‌ای را که به ابراهیم داده بود، در تحقق پیدایش ۱ و ۲، محقق کند. و بخشی از شرط عهد این است که اگر از فرامین خدا پیروی کنند، از ثمربخشی و برکت آفرینش سرزمین به عنوان نعمت الهی بهره‌مند خواهند شد. پس دوباره، فصل ۲۸. اجازه دهید بخشی از تثنیه فصل فقط چند آیه اول را بخوانم، ۲۸.

اگر فقط از خداوند، خدای خود، با رعایت دقیق تمام فرامین او، اطاعت کنید، دوباره خطاب به اسرائیل، که من امروز به شما فرمان می‌دهم، خداوند، خدای شما، شما را بر همه ملت‌های زمین برتر خواهد ساخت. اگر از خداوند، خدای خود اطاعت کنید، همه این برکات بر شما نازل خواهد شد و شما را فرا خواهد گرفت. در شهر مبارک خواهید بود و در صحرا مبارک خواهید بود.

میوه رحم تو و میوه زمین و میوه دام‌هایت، فرزندان گاو و گوساله‌هایت، مبارک خواهد بود. سبد و کاسه خمیر تو مبارک خواهد بود. هنگام ورودت مبارک و هنگام خروجت مبارک خواهی بود.

خداوند دشمنانی را که علیه تو قیام می‌کنند، در برابر تو شکست خواهد داد. آنها از یک راه به سوی تو خواهند آمد و از هفت راه از تو خواهند گریخت. خداوند در انبارهایت و در هر کاری که انجام می‌دهی، تو را برکت خواهد داد.

او شما را در سرزمینی که خداوند، خدایتان، به شما می‌دهد، برکت خواهد داد. بنابراین، واضح است که برکتی که آنها در سرزمین از آن بهره‌مند خواهند شد، درست مانند آدم و حوا در خلقت اولیه در باغ عدن به عنوان بخشی از عهد، مشروط به اطاعت آنها بوده است. امتناع از اطاعت منجر به نفرین و تبعید از سرزمین خواهد شد.

بنابراین، برای مثال، دوباره در تثنیه، این مضمون برکت و نفرین به عنوان بخشی از عهد، در سراسر کتاب، تثنیه جریان دارد. اما تثنیه فصل 6 و آیات 1 تا 3. حال، این فرمان، قوانین و مقرراتی است که خداوند خدای شما، به من دستور داده است تا به شما بیاموزم تا در سرزمینی که قرار است به آن وارد شوید و آن را، اشغال کنید، رعایت کنید، تا شما و فرزندان و فرزندان فرزندان در تمام روزهای زندگی خود از خداوند خدای خود بترسید و تمام فرامین و احکام او را که من به عنوان بخشی از عهدی که خدا با موسی بسته است به شما امر می‌کنم، نگه دارید تا روزهای شما طولانی شود. پس ای اسرائیل، بشنوید و آنها را با دقت رعایت کنید تا برای شما خوب پیش برود و در زمین بسیار تکثیر شوید.

به زبان تکثیر و افزایش توجه کنید. تا در سرزمینی که شیر و عسل در آن جاری است، بسیار تکثیر شوید همانطور که خداوند، خدای اجدادتان، به شما وعده داده است. باز هم، این مضمون پیوند دادن این با اجداد، با ابراهیم، اما زبان تکثیر که همه به روایت خلقت برمی‌گردد، دوباره نشان می‌دهد که اسرائیل در شرف ورود به سرزمین است و وعده خدا مبنی بر اینکه آنها از برکت و تکثیر در سرزمین بهره‌مند خواهند شد، بخشی از نیت اولیه خدا برای قومش است که به خلقت برمی‌گردد.

دوباره به فصل ۲۸ پیدایش برگردیم. بخش اول فصل ۲۸ که خواندیم، وعده برکت در سرزمین را در صورت اطاعت می‌دهد. اما به فصل ۲۸ و آیات ۶۲ تا ۶۴ تثنیه، فصل ۲۸ توجه کنید.

دوباره، به پیوندهایی که به عهد با ابراهیم و حتی به خلقت برمی‌گردد توجه کنید. آیه ۶۲، اگرچه زمانی به اندازه ستارگان آسمان بی‌شمار بودید، اما تعدادتان کم خواهد شد، زیرا از خداوند، خدایتان، اطاعت نکردید و همانطور که خداوند از ثروتمند و کثیر کردن شما لذت می‌برد، دوباره در انجام عهد با ابراهیم و همچنین، دستور به آب و حوا برای بارور و کثیر شدن، از اینکه خدا از ثروتمند و کثیر کردن شما لذت می‌برد، همانطور خداوند از به نابودی و نیستی کشاندن شما لذت خواهد برد.

شما از سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، ریشه‌کن خواهید شد. خداوند شما را در میان همه ملت‌ها از یک سر زمین تا سر دیگر پراکنده خواهد کرد و در آنجا خدایان دیگر از چوب و سنگ را که نه شما و نه اجدادتان آنها را نمی‌شناختید، عبادت خواهید کرد. بنابراین، وعده برکت در زمین در صورت اطاعت، همراه با نفرین و وعده نفرین و تبعید از زمین در صورت نافرمانی نیز هست.

بنابراین، عهد موسی، وعده خدا به اسرائیل و از طریق عهده‌ی که با موسی و قوم اسرائیل بسته شد، وسیله‌ای است که اسرائیل از طریق آن نیت خدا را برای عهده‌ی که با ابراهیم بسته بود، محقق خواهد کرد، اما در نهایت نیت او برای خلقت در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش تثبیت شده است. و باز هم، متون دیگری وجود دارد که می‌توانیم به آنها نگاه کنیم. همانطور که گفتم، تثنیه پر از زبان برکت و نفرین است که دوباره به روایت خلقت برکت و نفرین برمی‌گردد و آن را منعکس می‌کند. باز هم، وعده تبعید از سرزمین در صورت امتناع از اطاعت، طرد از حضور خدا و از مکان برکت و باروری، همگی منعکس کننده عهد ابراهیمی هستند که آن نیز به نیت اولیه خدا برای تمام خلقت و قومش برمی‌گردد.

،حالا، موضوع بعدی که می‌خواهم در موردش صحبت کنم، دوباره، ما در مورد قوم خدا، عهد و پیمان سرزمین و اینکه چگونه اینها به پیدایش و خلقت به عنوان قصد خدا برای انجام مأموریت اولیه‌اش برای خلقت و برای قومش از پیدایش مرتبط می‌شوند، صحبت کردیم. موضوع بعدی خیمه و معبد است. دوباره، من اینها را با هم بررسی خواهم کرد.

تا جایی که من متوجه شده‌ام، اساساً خیمه مقدس نسخه‌ی قابل حمل معبد است. معبد نسخه‌ی دائمی‌تر خیمه مقدس بود. بنابراین، خیمه مقدس برای اسرائیلی‌هایی که در بیابان سرگردان بودند و در مسیرشان به سمت سرزمین موعود بودند، مناسب بود.

،وقتی آنها آنجا بودند و مستقر و مستقر شدند، سازه‌ای ماندگارتر به شکل معبد ساخته شد. اما به طور کلی فکر می‌کنم هر دو هدف مشابهی داشتند و آن خیمه‌ای بود که اسرائیل را در بیابان هنگام خروج از مصر و راهپایی به سرزمین موعود همراهی می‌کرد. خیمه نیز نمادی از سکونت خدا در حضور او با قومش بود.

و در نهایت، وقتی آنها یک معبد، یک مسکن دائمی‌تر، مکانی برای سکونت خدا می‌سازند، باز هم معبد نمادی، از حضور خدا در میان قومش است. بدون شک معبد به دلایل دیگری نیز اهمیت داشت، اما در قلب آن معبد مکانی بود که خدا در کنار قومش ساکن می‌شد. حال، همانطور که قبلاً گفتیم، اهمیت این موضوع در

این است که باغ عدن در پیدایش، و به یک معنا، تمام خلقت قرار بود مکانی مقدس باشد، مکانی که خدا در کنار قومش ساکن می‌شد.

به یک معنا، باغ عدن باید به عنوان معبد خدا یا خیمه خدا درک می‌شد که حضور خدا در آن ساکن بود و با تکمیل ساخت معبد در آن ساکن می‌شد. و ضمناً، گاهی اوقات روایت ساخت معبد را در خروج ۲۵ و پس از آن، و روایت خلقت را در پیدایش ۱ و ۲ بخوانید و به شباهت‌های بین این دو توجه کنید. بنابراین در پیدایش ۱ و ۲، دوباره، خدا در حال ساخت یک مکان سکونت، یک معبد، یک پناهگاه است که حضور او در کنار قومش در آنجا ساکن خواهد شد.

حال، باغ، مکانی مقدس بود، بنابراین، باز هم، به نظر من، هم خیمه و هم معبد، به نوعی، قرار بود کپی‌هایی از باغ عدن باشند. و ما قبلاً به برخی از شباهت‌های بین باغ عدن که در پیدایش ۱ و ۲ شرح داده شده است، و معبد، به عنوان مثال، نگاه کردیم. در معبد می‌بینیم که هم خیمه و هم معبد، در واقع، طلا یکی از فلزات غالبی است که خیمه و معبد از آن ساخته شده‌اند. وقتی به پیدایش ۲، در توصیف باغ عدن، برمی‌گردید، جالب است که طلا یکی از سنگ‌های قیمتی است که در منطقه عدن یافت می‌شود.

ما همچنین در مورد مفهوم استراحت خدا، سکونت خدا یا حضور او در معبد، ایده نورافشانی‌ها و چراغ‌هایی که چراغدان معبد را منعکس می‌کنند، و شاید چراغدان، درخت زندگی را نیز منعکس می‌کند، صحبت کردیم. بنابراین ما قبلاً تعدادی از نقوش معبد، نقوش موجود در روایت خلقت در پیدایش ۱ و ۲ را دیدیم که بعداً در توصیفات معبد به آنها اشاره می‌شود. اما باز هم، معبد و خیمه قرار بود کپی‌هایی از باغ عدن یا نوعی باغ عدن در مینیاتوری، باغ عدن و نوس باشند.

بنابراین دوباره، معبد، به یک معنا، منظور بود... معبد و خیمه قرار بود تصویری از آنچه که در نهایت تمام خلقت قرار بود باشد، باشند. با حضور خدا که در کل جهان نفوذ می‌کند، جلال خدا و حکومت و پادشاهی او تمام خلقت را پر می‌کند. دوباره، یعنی، پیدایش فصل‌های ۱ و ۲. بنابراین معبد و خیمه تصاویری از آنچه که در نهایت تمام خلقت قرار بود به آن شکل باشد، بودند.

همانطور که گفتیم، طلا یکی از عناصر برجسته است... تنها کاری که باید انجام دهید این است که توصیف خیمه در خروج ۲۵ و پس از آن را بخوانید. اول پادشاهان ۵-۷، شرح ساخت معبد را بخوانید. و به نقش برجسته‌ای که طلا ایفا می‌کند توجه کنید.

باز هم، طلا یکی از فلزات گرانبهائی است که در پیدایش ۲ در توصیف بهشت و باغ عدن یافت می‌شود. اما توجه کنید ... و ما قبلاً گفتیم که بسیاری از ادبیات یهودی، به عنوان مثال، ادبیات آخرالزمانی، ادبیات دیگری آدم را به عنوان کاهنی که به عنوان کاهن در باغ عدن عمل می‌کرد، به تصویر می‌کشیدند. این ادبیات باغ عدن را به عنوان مکان حضور خدا به تصویر می‌کشید، جایی که نور جلال خدا در سراسر باغ می‌درخشید.

اما تعدادی نشانه جالب دیگر نیز وجود دارد. برای مثال، نگاه کنید به ... این اول پادشاهان ۶ است که بخشی از توصیف ساخت معبد است. اول پادشاهان ۶، و ۲۹ آیات ۲۹ و ۳۰.

در آن آمده است ...: «او دیوارهای خانه را از هر طرف با نقش‌های کروبیان تراشید، درختان نخل را چید و گل‌هایی را در اتاق‌های داخلی و خارجی گشود». کف خانه را که او گشود، در اتاق‌های داخلی و خارجی با طلا پوشانده شد. ما قبلاً به طلا اشاره کردیم. اما چرا معبد با نقش‌های کروبیان، این موجودات فرشته‌ای درختان نخل و گل‌های باز شده حکاکی شده است؟ احتمالاً به این دلیل که آنها منعکس کننده ثمربخشی، خلقت در پیدایش ۱ و ۲ و در باغ عدن هستند که درختان، درخت زندگی، درختان در حال جوانه زدن گیاهان در حال جوانه زدن که میوه می‌دادند، داشتند.

به احتمال زیاد، حکاکی‌های روی معبد نیز قرار است همین را منعکس کنند. و باز هم، حکاکی‌های کروبیان شاید منعکس کننده دو کروی باشند که پس از تبعید آدم و حوا به دلیل نافرمانی، از ورودی باغ عدن، باغ معبد، فضای مقدس، محافظت می‌کردند. بنابراین، حکاکی‌های گیاهان و درختان نخل، یادآور ثمربخشی، خلقت اولیه و بهشت اولیه هستند.

همچنین جالب است که وقتی صندوق عهد ساخته می‌شود، در فصل ۶ که در مورد این موضوع نیز می‌خوانید، دو کروی وجود دارند که از آن محافظت می‌کنند، به نوعی مراقب آن هستند. آنها در قدس الاقداس قرار گرفته‌اند. باز هم، دو کروی که از قدس الاقداس محافظت می‌کنند، جایی که حضور خدا به طور خاص آشکار است، احتمالاً منعکس کننده دو کروی، موجودات فرشته‌ای هستند که از ورودی باغ عدن، محل حضور خدا در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش، محافظت می‌کنند. جالب اینجاست که چراغدان همانطور که گفتم، شاید چراغدان منعکس کننده درخت زندگی در باغ عدن باشد.

در سفر پیدایش، ببخشید، در حزقیال فصل ۴۷، بعداً در مورد آن متن صحبت خواهیم کرد. در سخنرانی بعدی بیشتر در مورد انتظار نبوی و اینکه چگونه این موضوع در داستان و خط داستانی قرار می‌گیرد صحبت خواهیم کرد. اما در حزقیال ۴۷، توصیفی از... در واقع، حزقیال ۴۰ تا ۴۸ رویای حزقیال از یک معبد بازسازی شده است و نقش کلیدی در درک ما از خط داستانی ایفا خواهد کرد.

اما در فصل ۴۷، حزقیال معبد را به عنوان مکانی توصیف می‌کند که رودخانه‌ای از آن جاری است، که باز هم بسیار شبیه است. و در واقع، رودخانه در دو طرف خود درختانی دارد که میوه می‌دهند. همه اینها توصیف باغ عدن را در فصل ۲ پیدایش به یاد می‌آورد، جایی که رودخانه‌ای از آن جاری است، درخت زندگی، باروری و غیره.

بنابراین آنچه این نشان می‌دهد این است که معبد و خیمه به وضوح قرار بود کپی‌هایی از باغ عدن باشند. باز هم، نوعی تصویر، یک عکس فوری، یک پرتو مینیاتوری از آنچه خدا برای کل خلقت خود در نظر داشت مکانی پر از برکت و باروری که در آن خدا در میان قوم خود ساکن خواهد شد و جلال و حکومت خدا در سراسر خلقت در تحقق فصل‌های ۱ و ۲ کتاب پیدایش گسترش خواهد یافت. این امر اکنون در حال تحقق است و اکنون به نوعی در تأسیس خیمه و معبد به عنوان مکان برکت خدا، که من آن را باغ معبد می‌نامم، متبلور یا نشان داده شده است.

بنابراین، مضمون باغ معبد به وضوح در داستان مداوم برخورد خدا با اسرائیل و بار دیگر، اینکه اسرائیل وسیله خدا برای بازگرداندن نیت اولیه او برای خلقت است، نشان داده شده است. مضمون غالب دیگری که در داستان اسرائیل یافت می‌شود، سلطنت است. و این به دو صورت منعکس می‌شود.

اولاً، در خروج فصل ۱۹ و آیه ۶، فکر می‌کنم همان متنی است که می‌خواهم، خروج فصل ۱۹ و آیه ۶، قرار بود اسرائیل پادشاهی کاهنان باشد. بنابراین به تصویر کاهنان یا معبد و همچنین تصویر پادشاهی توجه کنید. باز هم، قصد اسرائیل برای پادشاهی کاهنان، به وضوح منعکس کننده قصد خدا برای بشریت است تا بر خلقت حکومت کند و جلال و حضور خدا را در سراسر این باغ معبد از پیدایش فصل‌های ۱ و ۲ گسترش دهد. حال، آدم و حوا در این امر شکست خوردند و تبعید شدند.

اکنون، اسرائیل به عنوان پادشاهی کاهنان، وسیله‌ی خدا برای تحقق آن نیت است. با این حال، به طور خاص‌تر، موضوع پادشاهی یا حکومت یا عملکرد آدم و حوا به عنوان نایب خدا، در پادشاه اسرائیل، و حتی به طور خاص‌تر در عهد داوود، با وضوح بیشتری بیان و منعکس شده است.

بنابراین، اگر مثلاً به دوم سموئیل بروید. در دوم سموئیل فصل ۷، که مربوط به برقراری عهد خدا با داوود است، و بیشتر وعده‌های داده شده، بیشتر انتظارات از تحقق یک پادشاه از نسل داوود و وعده‌های مسیحایی در سراسر عهد عتیق و جدید به دوم سموئیل فصل ۷ برمی‌گردد. اما در دوم سموئیل فصل ۷، و به ویژه آیات اطراف آیه ۱۴، اجازه دهید به آیه ۱۰ برگردم. در واقع، اجازه دهید به آیه ۸ برگردم. و این وعده خدا به داوود است.

بنابراین، اکنون به بندهام داوود چنین بگو، خداوند لشکرها چنین می‌گوید: من تو را از چراگاه، از دنبال گوسفندان، بیرون آوردم تا بر قوم من اسرائیل فرمانروا باشی. و هر جا که می‌رفتی با تو بوده‌ام و تمام دشمنانت را از پیش روی تو نابود کرده‌ام، و برای تو نامی بزرگ خواهم ساخت. به ارتباط آن با عهد ابراهیمی توجه کنید.

تا اسرائیل را نامی بزرگ گردانم، تا ابراهیم را نامی بزرگ سازم. مانند نام بزرگان زمین. و من برای قوم خود اسرائیل مکانی تعیین خواهم کرد و آنها را غرس خواهم نمود تا در مکان خود زندگی کنند و دیگر آشفته نشوند، و بدکاران دیگر مانند گذشته آنها را آزار ندهند.

از آن زمان به بعد، من داورانی را بر قوم خود اسرائیل گماشتم و شما را از شر همه دشمنانتان رهایی خواهم بخشید. به تمام این مضامین که هم به عهد ابراهیمی و هم به خلقت بازمی‌گردند، توجه کنید. مضمون آرامی دادن به او، آرامی داشتن در سرزمین، یادآور آرامش یافتن خدا، آرامش حضور خدا در سرزمین است.

باز هم، موضوع کاشته شدن اسرائیل در زمین، موضوع برکت، موضوع بزرگ شمرده شدن نام داوود. همه اینها وعده داوود و این عهدی را که خدا با داوود می‌بندد، نه تنها به وعده‌ای که به ابراهیم داده شد، بلکه به خود خلقت نیز مرتبط می‌کند. باز هم، این داستان ادامه‌دار را می‌بینید.

اینها فقط عهدنامه‌های جداگانه یا برنامه‌های جداگانه‌ای نیستند که برای درست کردن امور وضع شده‌اند. همه آنها در نهایت به روایت خلقت، به عنوان وسیله‌ای که خداوند از طریق آن قصد خود را برای خلقت که ابتدا با آدم و حوا در پیدایش ۱ و ۲ برقرار شده بود، محقق خواهد کرد، به طور یکپارچه مرتبط

هستند. به آیه ۱۲، ارتباط دیگری با ابراهیم و خلقت توجه کنید. در آیه ۱۲ به داوود گفته می‌شود، هنگامی که روزهای تو به پایان رسید یا تمام شد و با اجدادت خوابیدی، من پس از تو فرزندان را که از بدن تو بیرون می‌آیند، خواهم پروراند و پادشاهی او را برقرار خواهم کرد.

بنابراین، به داوود نیز وعده داده شده است که فرزندان او، همانطور که به ابراهیم وعده فرزند داده شده، به داوود نیز وعده فرزند داده شده است که فرزندان او برانگیخته خواهند شد. آنچه همه اینها نشان می‌دهد این است که وعده خدا به ابراهیم در نهایت از طریق پادشاه داوود، با انتخاب داوود توسط خدا محقق می‌شود. اما خلقت در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش نیز در عهد داوود یا در عهد داوود تحقق می‌یابد.

اگر بتوانم فراتر بروم، آیات ۱۳ و ۱۴، همچنان دوم سموئیل فصل ۷، او خانه‌ای برای نام من خواهد ساخت، که به نسل داوود اشاره دارد، و من تخت پادشاهی او را تا ابد استوار خواهم کرد. من پدر او خواهم بود و او پسر من. به زبان عهد توجه کنید: من پدر او خواهم بود، من خدای تو خواهم بود، تو قوم من خواهی بود.

من پدر خواهم بود، تو پسر من خواهی بود. بنابراین، آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که خداوند به داوود وعده تخت ابدی می‌دهد، که همیشه کسی از نسل داوود، یکی از فرزندان داوود، بر تخت او خواهد نشست و بر اسرائیل حکومت خواهد کرد، در راستای تحقق عهدی که با ابراهیم بسته شده است. و این ایده که اسرائیل در سرزمین خواهد بود، خداوند آنها را در سرزمین احیا خواهد کرد، خداوند حکومت خواهد کرد، داوود پادشاه بر آنها حکومت خواهد کرد و به آنها آرامش خواهد بخشید، با این موضوع مرتبط است.

حال، آنچه که این به من القا می‌کند این است که پادشاه از نسل داوود است و این بسیار مهم است، پادشاه از نسل داوود وسیله‌ای است که خداوند از طریق آن قصد خود را از پیدایش ۱ و ۲ در مورد بشریت برای حکومت بر تمام خلقت محقق می‌کند. دوباره، به یاد داشته باشید که در پیدایش فصل‌های ۱ و ۲، آدم و حوا به تصویر خدا آفریده شده‌اند تا بر تمام خلقت حکومت کنند. به عنوان نماینده خدا، آنها نایب خدا هستند.

حال، راهی که خداوند در نهایت آن را احیا خواهد کرد، نه تنها با انتخاب ملت اسرائیل، بلکه به طور خاص‌تر، با انتخاب پادشاهی برای حکومت بر اسرائیل به عنوان نایب‌السلطنه خداوند است. این روشی است

که در نهایت، قصد خداوند برای حکومت بر تمام خلقت از طریق نایب السلطنه‌هایش، پیدایش ۱ و ۲، در حال حاضر برقرار خواهد شد. به عنوان مثال، می‌توانید، در پیدایش، ببخشید، مزمور ۲، تعدادی از مزامیر همان چیزی هستند که اغلب مزامیر سلطنتی نامیده می‌شوند.

آنها به پادشاه داوود اشاره می‌کنند که بر قوم خود حکومت می‌کند. و مزمور فصل ۲ و آیه ۸، توجه کنید که دامنه نهایی حکومت پادشاه در مزمور فصل ۲، چرا ملت‌ها توطئه کردند و مردم بیهوده نقشه کشیدند؟ پادشاهان زمین خود را کنار کشیدند و حاکمان علیه خداوند و مسیح او مشورت کردند و گفتند: بیایید، بندهای آنها را بگسلیم و طناب‌های آنها را از خود دور کنیم. او که در آسمان‌ها نشسته است، می‌خندد، خداوند آنها را مسخره می‌کند.

آنگاه او با خشم خود با ایشان سخن خواهد گفت و ایشان را در خشم خود به وحشت خواهد انداخت و خواهد گفت: من پادشاه خود، یعنی داوود پادشاه یا نسل داوود را تعیین کرده‌ام، من پادشاه خود را بر صهیون، کوه مقدس خود، تعیین کرده‌ام. من از فرمان خداوند سخن خواهم گفت. او به من گفت: تو پسر من هستی، امروز تو را به دنیا آوردم.

فرمول عهد این است. از من بخواهید و من ملت‌ها را میراث شما و انتهای زمین را ملک شما خواهم کرد. بنابراین در نهایت، پادشاه داوود قرار بود به عنوان نایب خدا بر کل خلقت حکومت کند، در تکمیل نایب السلطنه ای که قرار بود در آدم و حوا به عنوان حاملان تصویر خدا که قرار بود بر تمام خلقت حکومت کنند، آشکار شود.

بنابراین، من دوباره این را برداشت می‌کنم که پادشاه داوودی، نایب خدا است که در نهایت برای برقراری حکومت خود بر تمام خلقت، در راستای تحقق فرمان اولیه به آدم و حوا به عنوان حاملان تصویر خدا برای حکومت بر تمام خلقت، حکومت می‌کند. بنابراین مردمی که در سرزمینی زندگی می‌کنند که خدا در میان آنها، در معبد ساکن است و خدا بر آنها حکومت می‌کند و پادشاه داوودی به نمایندگی از مردم حکومت می‌کند در نهایت به عنوان تحقق نهایی و تحقق نیت خدا دیده می‌شوند، نه تنها برای برقراری عهد ابراهیمی، بلکه حتی فراتر از آن، برای برقراری او، برای احیای شرایط خلقت و بنابراین با این شرایط موجود، اسرائیل باید نوری برای همه ملت‌ها باشد و اسرائیل باید جلال و ستایش خدا را در میان ملت‌ها اعلام کند و حاکمیت خدا را در سراسر زمین گسترش دهد. باز هم، در تحقق پیدایش ۱ و ۲. با این حال، اگرچه این شرایط وجود

دارد، ما باید به عقب برگردیم و شروط عهده را که خدا از طریق عهد موسی با اسرائیل در تنبیه منعقد می‌کند، به یاد بیاوریم.

اینکه این شرایط تا زمانی که اسرائیل از شروط عهد اطاعت کند و آنها را رعایت کند، همچنان وجود خواهد داشت، همانطور که آدم و حوا در سرزمین برکت باقی خواهند ماند و تا زمانی که اطاعت کنند، فرمان خدا را برای حکومت بر تمام خلقت و گسترش جلال او در تمام خلقت انجام خواهند داد. همین امر در مورد اسرائیل نیز صادق است. تا زمانی که اطاعت کنند، در سرزمین، مکان برکت خدا، باقی خواهند ماند و ثمربخشی آن را تحت حکومت پادشاه داوود در انجام فرمان گسترش حکومت و جلال خدا بر تمام خلقت تجربه خواهند کرد.

پادشاه داوودی نایب خدا است و خدا در میان معبد ساکن است. این وضعیت تا زمانی که اسرائیل رابطه عهد را حفظ کند، وجود خواهد داشت. با این حال، اگر اسرائیل شکست بخورد، اگر اسرائیل شکست بخورد، آنها تبعید خواهند شد، درست مانند آدم و حوا.

آنها از سرزمین، مکان برکت، تبعید خواهند شد و سپس از انجام وظیفه‌ای که در نهایت به خلقت برمی‌گردد، سر باز خواهند زد، در انجام آن شکست خواهند خورد. و در واقع، همانطور که داستان ادامه دارد، این دقیقاً همان کاری است که اسرائیل انجام می‌دهد. اسرائیل در حفظ پیمان خود کوتاهی می‌کند.

آنها گناه می‌کنند، به دنبال بتهای دیگر می‌روند، و بنابراین، اگر به یاد داشته باشید، چون نافرمانی می‌کنند، بنابراین، اگر تاریخ عهد عتیق خود را به یاد داشته باشید، خدا آنها را به تبعید فرستاده است. یعنی، آنها از سرزمین، مکان برکت خدا، مکان حضور خدا با قومش تبعید شده‌اند، و به سرزمینی بیگانه، مکانی برای ظلم و ستم، و مکانی برای تبعید منتقل شده‌اند. به عنوان مثال، به پادشاهان اول توجه کنید.

جالب اینجاست که در پایان توصیف ساخت معبد در اول پادشاهان ۵-۷، و کمی بعدتر در اواخر آن، در فصل ۹ و آیات ۶-۷، در واقع، اگر بتوانم کمی به عقب برگردم، با فصل ۹، آیه ۱ شروع می‌کنم و آیات ۶ و ۷ را می‌خوانم. در اول پادشاهان فصل ۹، هنگامی که سلیمان ساختن خانه، معبد خداوند و خانه پادشاه و هر آنچه را که سلیمان می‌خواست بسازد به پایان رساند، خداوند بار دیگر بر سلیمان ظاهر شد، همانطور که، در جبعون بر او ظاهر شده بود. خداوند به او گفت: «دعا و التماس تو را که در حضور من کردی، شنیدم. من این خانه‌ای را که ساخته‌ای تقدیس کرده‌ام».

من نام خود را برای همیشه در آنجا گذاشته‌ام. چشمان و قلبم برای همیشه آنجا خواهد بود. اما اگر تو مانند پدرت داوود، با صداقت قلب و درستکاری، در پیشگاه من گام برداری، و مطابق هر آنچه به تو فرمان داده‌ام عمل کنی و تمام فرایض و احکام مرا که از شریعت موسی است، نگاه داری، آنگاه تخت سلطنت تو را برای همیشه بر اسرائیل برقرار خواهم کرد، همانطور که به پدرت داوود وعده دادم و گفتم که تو را جانشینی بر تخت اسرائیل نخواهد بود.

بنابراین این بخش برکت عهدی است که خدا برای قوم خود برقرار می‌کند. با این حال، آیات ۶ و ۷: اما اگر تو، و فرزندان از پیروی من روی گردانید و فرامین و احکام مرا که پیش روی شما گذاشته‌ام، نگه ندارید بلکه بروید و خدایان دیگر را عبادت کنید و آنها را پرستش کنید، اکنون گوش دهید، آنگاه من اسرائیل را از سرزمینی که به آنها داده‌ام، منقطع خواهم کرد. و خانه‌ای را که تقدیس کرده‌ام، این معبد را که برای نام خود تقدیس کرده‌ام، از نظر خود دور خواهم انداخت، و اسرائیل در میان همه مردم ضرب‌المثل و سرود تمسخر خواهد شد.

این خانه به تلی از ویرانه تبدیل خواهد شد. و در واقع، این دقیقاً همان اتفاقی است که برای اسرائیل افتاد. از آنجا که آنها از اطاعت و حفظ رابطه پیمانی با خدا کوتاهی کردند، دوباره از سرزمین تبعید شدند، معبد ویران شد، حضور خدا از آن دور شد، اسرائیل از سرزمین برکت، از مکان سکونت و حضور خدا دور شد و اکنون خود را در تبعیدی خارج از سرزمین، در مکانی خارج از برکت و حضور خدا می‌بینند.

حال، چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید، شباهت‌های آشکار بین آدم و حوا و اسرائیل است. داستان آدم و حوا در پیدایش فصل‌های ۱ و ۳، و وضعیت اسرائیل در حال حاضر در روایتی که به سرعت از آن عبور کرده‌ایم. اول از همه، دوباره، در پیدایش ۱ و ۲، آدم و حوا، اولین قوم خدا، را در سرزمینی می‌یابیم که محل برکت خداست، مکانی که خدا با آنها ساکن است، مکانی که آنها، دوباره، در رابطه پیمانی با خدا هستند، اما به دلیل اینکه از خدا و پایان پیمان خود اطاعت نمی‌کنند، از سرزمین، محل برکت، از باغ، محل برکت و محل حضور خدا تبعید می‌شوند.

بنابراین، آدم و حوا شکست می‌خورند. اکنون، اسرائیل، به عنوان قوم خدا، نیز به سرزمینی آورده می‌شوند مکان برکت خدا، مکانی که خدا در آن ساکن است، اکنون در باغ مینیاتوری، باغ عدن، معبد، با این حال آنها

نیز گناه می‌کنند، آنها در حفظ رابطه پیمان کوتاهی می‌کنند و آنها نیز از سرزمین تبعید می‌شوند. بنابراین، به یک معنا، اسرائیل نیز سرنوشتی بهتر از آدم و حوا ندارد.

آدم و حوا در انجام نیت اولیه خدا برای خلقت شکست خوردند و از سرزمین تبعید شدند. اسرائیل از راه رسید و به آنها نیز همین مأموریت داده شد، آنها باید بارور و کثیر شوند، آنها باید حکومت و جلال خدا را در سراسر خلقت از طریق پادشاه داوود گسترش دهند. خدا در قالب معبد با آنها ساکن می‌شود، در سرزمینی که آنها برکت و باروری را تجربه می‌کنند، اما آنها نیز در انجام نیت خدا برای خلقت شکست می‌خورند و آنها نیز تبعید می‌شوند. بنابراین، این سؤال، سؤالی که در پایان تاریخ اسرائیل باقی می‌ماند، این است که چگونه خدا نیت اولیه خود را برای تمام بشریت و برای تمام خلقت، که در پیدایش ۱ و ۲ آغاز شده بود، اما اکنون به دلیل گناه ویران و خنثی شده بود، بازیابی خواهد کرد؟ باز هم، دیدیم که اسرائیل نیز سرنوشتی بهتر از آدم و حوا نداشت، آنها نیز در انجام نیت خدا شکست خوردند و آنها نیز گناه کردند و آنها نیز از مکان برکت خدا تبعید شدند.

بنابراین، برای یادآوری دوباره داستان، آدم و حوا به عنوان حاملان تصویر خدا آفریده شدند تا نماینده خدا باشند و جلال و حکومت او را گسترش دهند، به عنوان نایب خدا تا حکومت او را در سراسر خلقت گسترش دهند، و خدا از روی لطف سرزمینی را که باید در آن زندگی کنند به آنها داد، خدا با آنها ساکن خواهد شد، و تا زمانی که اطاعت کنند از نعمت برخوردار خواهند بود. آدم و حوا امتناع می‌کنند و تبعید می‌شوند. خدا ابراهیم را انتخاب می‌کند و ملت اسرائیل را برای انجام مأموریت اولیه او برای خلقت انتخاب می‌کند.

او نیز به آنها سرزمین را خواهد داد، آنها را به سرزمین می‌آورد، با آنها رابطه‌ای مبتنی بر عهد و پیمان برقرار می‌کند، آنها نیز از طریق معبد از برکت سرزمین بهره‌مند خواهند شد، خدا در میان آنها ساکن خواهد شد در نهایت از طریق پادشاه داوود، آنها بر تمام خلقت حکومت خواهند کرد و اگر از عهدی که خدا با آنها بسته اطاعت کنند و به آن عمل کنند، از برکت سرزمین بهره‌مند خواهند شد، اما درست مانند آدم و حوا اسرائیل گناه می‌کند و از باغ عدن تبعید می‌شود. بنابراین، سوال این است که خدا چگونه نیت اولیه خود را با بشریت که آدم و حوا نتوانستند به آن برسند، محقق خواهد کرد و این نیت با انتخاب قوم اسرائیل توسط خدا نیز محقق نشد. حال، به یک معنا، خدا دو مسئله یا دو مشکل دارد، اگر بتوانیم آن را اینگونه بیان کنیم.

او هم با مشکل جهانی‌تر آدم و حوا روبروست و هم با مشکل خاص‌تر اسرائیل، یعنی مشکل تمام خلقت و تمام بشریت از طریق آدم و حوا و گناه آنها، و همچنین اکنون باید با ملت اسرائیل و مخمصه آنها مقابله کند، زیرا به یاد داشته باشید که خدا با ابراهیم عهد بسته است که ابراهیم و اسرائیل وسیله‌ای هستند که خدا از طریق آنها مشکل بزرگتر را حل خواهد کرد. یک راه برای نگاه کردن به آن این است که مشکل جهانی بزرگتری که توسط آدم و حوا ایجاد شده است، اکنون با انتخاب اسرائیل توسط خدا در موقعیت محدودتری حل خواهد شد، اما باز هم، آنها بهتر عمل نکردند، بنابراین خدا به یک معنا دو مشکل برای حل کردن دارد. او باید مشکل گناهکار بودن اسرائیل را حل کند زیرا آنها وسیله‌ای هستند که خدا از طریق آنها مشکل بزرگتر آدم و حوا و تمام خلقت را حل خواهد کرد.

بنابراین، او باید هر دو مشکل و هر دو موقعیت را اصلاح کند. او نمی‌تواند اسرائیل را کنار بگذارد و بگوید این جواب ندارد، بگذارید چیز دیگری را امتحان کنم، یا بگذارید به نیت اصلی‌ام برگردم. خدایا، اسرائیل وسیله‌ای است که خداوند از طریق آن نیت خود را برای تمام خلقت احیا خواهد کرد.

باز هم، همه ملت‌های زمین در نهایت از طریق اسرائیل برکت خواهند یافت، بنابراین خدا، اسرائیل نیز، مانند آدم و حوا و تمام خلقت و تمام بشریت، همانطور که باید از گناه و مرگ نجات یابند، اسرائیل نیز باید و شاید ابتدا از گناه و مرگ نجات یابد تا مشکل گسترده‌تر تمام بشریت و تمام خلقت حل شود. بنابراین، بقیه عهد عتیق و سپس عهد جدید، داستان را ادامه می‌دهند و به این سوال پاسخ می‌دهند که چگونه خدا قصد اولیه خود را برای خلقت از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش بازیابی خواهد کرد؟ اما این را تنها می‌توان با پرسیدن این سوال نیز پاسخ داد که چگونه خدا اسرائیل و مشکل آنجا را بازیابی خواهد کرد؟ زیرا باز هم، اسرائیل وسیله‌ای بود که خدا از طریق آن قصد اولیه خود را برای خلقت حل و بازیابی می‌کرد. این، فقط برای پیش‌بینی سخنرانی بعدی، زمینه را برای انتظاری که در پیامبران عهد عتیق مانند اشعیا و حزقیال، ارمیا و زکریا و سایر متون نبوی یافت می‌شود، فراهم می‌کند.

این، انتظاری را که در پیامبران برای چگونگی انجام دقیق این کار توسط خدا وجود دارد، تعیین می‌کند. و باز هم، خدا چگونه قرار است اسرائیل را از گناه و مرگ نجات دهد، به طوری که در نهایت تمام بشریت نیز از مخمصه خود نجات یابند، تا نیت خدا برای خلقت را در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش احیا کند؟ بنابراین، کاری که ما قرار است انجام دهیم این است که، همانطور که شروع به بررسی متن نبوی می‌کنیم، که شروع به پیش‌بینی و پیشگویی در مورد نیت خدا برای بازگرداندن قوم خود از تبعید و اصلاح وضعیتی که توسط بی‌وفایی اسرائیل ایجاد شده است، می‌کند، در نهایت نیت خدا را برای تمام خلقت در پیدایش ۱ و ۲ احیا

می‌کند، همانطور که به متن نبوی که این را پیش‌بینی می‌کند نگاه می‌کنیم، دوباره می‌خواهیم از مضامین اصلی که در فصل‌های ۱ و ۳ پیدایش، در زمینه، و سپس در تاریخ اسرائیل دیده‌ایم، آگاه باشیم. مضمون قوم خدا، اینکه خدا قومی را می‌آفریند.

مضمون عهد این است که خداوند با آنها وارد یک رابطه عهدی می‌شود. عهد وسیله اصلی ارتباط خداوند با قوم خود است که از طریق آن خداوند آنها را برکت خواهد داد. مضمون سرزمین و خلقت این است که سرزمین و خلقت به عنوان هدیه‌ای بخشنده که خداوند به قوم خود می‌دهد، دیده می‌شود.

این مکان برکت است. جایی است که خداوند قوم خود را برکت می‌دهد. مضمون معبد، یعنی سرزمین، مکانی است که خداوند در آن ساکن است.

مضمون معبد و باغ. انتظار بازگشت حضور خدا. انتظار بازسازی معبد.

اینکه روزی خداوند دوباره با قوم خود در این سرزمین ساکن خواهد شد. موضوع پادشاهی و نیابت سلطنت خداوند چگونه قصد خود را برای حاکمیت بشریت بر خلقت احیا خواهد کرد؟ اکنون، از طریق اسرائیل، این امر به ویژه بر پادشاه داوود متمرکز خواهد شد.

خداوند از طریق داوود وعده می‌دهد که نیت او برای حکومت بر خلقت در نهایت از طریق پادشاهی از نسل داوود که به نمایندگی از مردم حکومت خواهد کرد، محقق خواهد شد. بنابراین، موضوع پادشاهی به نظر من، همه این موضوعات در متن نبوی آمده است.

و بنابراین، در طول سخنرانی بعدی، ما به طور خاص بر روی برخی از متون نبوی تمرکز خواهیم کرد. باز هم، با ارائه یک مرور کلی بسیار سریع، اما مکث خواهیم کرد و به برخی از متون اصلی نگاه خواهیم کرد و به شما نشان خواهیم داد که چگونه این مضامین، به عنوان بخشی از این داستان واحد که به پیدایش ۱ و ۲، و ۳ برمی‌گردد، شروع به بافتن راه خود در ادبیات نبوی می‌کنند. و در نهایت، فقط برای اشاره به فراتر از آن، خواهیم دید که چگونه در نهایت انتظارات بیان شده در متن نبوی در عهد جدید، در شخص عیسی مسیح، محقق می‌شوند، جایی که همه این مضامین در عهد جدید شروع به ظهور می‌کنند.

اول از همه، تحقق یافتن در شخص عیسی مسیح و در نهایت تحقق یافتن در این قوم جدیدی که خدا اکنون خواهد آفرید. باز هم، همانطور که به سمت پایان داستانی که در فصل‌های ۱ و ۳ پیدایش آغاز

می‌شود، پیش می‌رویم. این سخنرانی شماره ۲ دیو متیوسون در مورد خط داستانی کتاب مقدس، روایات پنجگانه بود.